

چکیده: ابوالفضل برقی، از مشاهیر معاصر، معتقد به قرآن بسندگی در تفسیر و بی-نیازی نسبت به احادیث معصومان است. او برای این مدّعی خود دلایلی می-آورد، از جمله: روشن بودن قرآن و ضرورت تدبّر در آن، عدم نیاز به تفسیر امام بلکه مطلق تفسیر به دلیل قابل فهم بودن قرآن، عدم نیاز به فهم تأویل آیات متشابه، مشکل-تر بودن متن احادیث نسبت به قرآن، وجود اخبار متناقض و دروغین در روایات تفسیری، ضرورت موافقت روایات با قرآن، عدم وجود تفسیر در صدر اسلام. نقد ادله برقی و اثبات ضرورت استفاده از احادیث در تبیین قرآن در این گفتار آمده است.

کلیدواژه-ها: قرآن-بسندگی؛ تفسیر؛ تأویل؛ روایات تفسیری؛ برقی، ابوالفضل.

□

## مقدمه و بیان مسأله

ها- سنت از برخی و احادیث انکار به که است معاصر مشاهیر از (1287-1370 شمسی) برقی ابوالفضل □ □ می-پردازد. همچنین کتاب الکافی و بحارالانوار را مملو از احادیث ضد عقل و قرآن می-داند و آن-ها را از جانب امامان هدایت نمی-داند. برخی از کتاب-های او در عربستان چاپ شده است. آقای علی اکبر بابایی در کتاب مکاتب تفسیری، آقای محمد ابراهیم روشن ضمیر در کتاب جریان-شناسی قرآن بسندگی و آقای محمد اسعدی در کتاب آسیب شناسی جریان-های تفسیری، برقی را از جریان قرآن بسندگان شمرده-اند. برقی در بخش اول حیات علمی خود، مانند دیگر علماء شیعه، قلم زده است ولی در بخش دوم منتقد مسائلی چون نصب المهی امام، انحصار امامت در ائمه اطهار : عصمت، شفاعت و ... و مدافع قرآن بسندگی گردیده است. □

شود-□ می نقد سپس و مطرح، تفسیر در بسندگی قرآن اثبات در برقی ابوالفضل ادله ادامه در □ □

### 1) روشن بودن قرآن و لزوم تدبّر در آن

با نباید او عقیده به است مردم عموم برای قرآن مفاهیم روشن اثبات دنبال به قرآن آیات مدد با برقی □ □ بهانه-هایی چون تأویل قرآن، وجود آیات متشابه، عدم تفسیر به رأی و وجود برخی آیات متعارض در قرآن مثل جبر و اختیار و ... مردم را از رجوع به قرآن بازداشت.

آیاتی که وی به آنها اشاره می‌کند عبارتند از:

1. وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ: و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌اند پس آ  
پندگ رنده‌ای هست؟ (زمر، 17، 22، 32، 40)

2. تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ: این است آیت کتاب روشنگر. (یوسف، 1)

3. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ: ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بندگان بشوند.  
(یوسف، 2)

4. أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَليَّ أَهْلًا بِآيَاتِهِ لَقَدْ أُنزِلَ الْقُرْآنُ فَالْهَآءُ آيَاتُهُ لِيُذَكَّرَ بِهَا الْقَوْمُ لَو كَانُوا هَادِينَ: این آیت قرآن نمی‌آید؟ [مگر] بر  
دلها شان قفلها بی نهاده شده است؟ (محمد، 24)

5. كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ: این کتابی مبارک  
است که آن را به سویی تو نازل کرده‌اند پس تا در آیت آن بندگان شدند، و خردمندان پندگ رند. (ص، 29)

، کرده معرفی "کم‌برنم‌ةظوم" یا و "لنّاس بصائر"، "لنّاس هدی"، "لنّاس بیان" را قرآن که آیاتی است معتقد او  
نشانه روشن بودن قرآن و بی‌نیازی آن به حدیث است. وی در این باره می‌نویسد:

بسیاری آیات و است مردم بینائی چگونه نفهمند اگر و، است مردم بینائی و موعظه قرآن این، فرموده چنانکه پس  
آمده که قرآن برای عموم مردم نازل شده، اگر خدا چیزی را برای مردم نازل کند که نفهمند کار لغوی کرده نمود بالله.  
بعضی خیال کرده‌اند که قرآن و آیات آن معما و رمزی است که فقط رسول خدا 6 می‌فهمید، و این خیال باطلی  
است و مدرکی ندارد. به اضافه اگر فهم آن منحصر به رسول و یا امام بود، باید «یا ایها الإمام» بگوید و یا «هدی  
للإمام» و «یا بیان للإمام»، و حال آنکه فرموده. (برقی، قرآن برای همه، بی‌تا، ص 55)

علی حضرت سخن این به مثلاً. نماید ثابت را قرآن بودن مفهوم تا کند - می اشاره نیز روایات برخی به برقی 7 در  
خطبه اول نهج‌البلغه استدلال می‌کند که فرمود: «کتاب ربکم فکم مبیّنا حلّ الّه و حرامه  
(شریف الرضی، 1414ق، ص 44): کتاب پروردگارتان بین شماست که تبیین کننده حلال و حرام اوست». نیز، از رسول  
خدا

روایت شده که فرمود: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ الْمَنْوَرُ الْمُبِّنُ» (مجلسی، 1403ق، ج 89، ص 31) ... محققاً بدانید که این قرآن نور روشنی است...» (برقی، قرآن برای همه، بی-تا، ص 57)

مبین و نور را قرآن که آنهایی دسته یک اند-دسته دو، کند-می استدلال آنها به برقی که روایاتی و آیات: نقد □ □ روشن و ... معرفی می-کند و دسته دوم آیاتی که به تدبیر و تعقل در قرآن کریم دستور می-دهد. به نظر می-رسد هیچکدام از این آیات نتوانند مانع رجوع به احادیث تفسیری باشند.

را خود که قرآنی همان. نکرد رجوع آنها به گزینشی و دید هم کنار را قرآن آیات تمام باید علمی تحقیق در اولاً □ □ روشن معرفی می-کند، در آیه دیگری این روشنی را در سینه اهل بیت: دانسته است. قرآن می-فرماید: «بَلْ هُوَ آتٌ بَيِّنَاتٌ فِي آيَاتٍ لِّذِي الْأُولِيَاءِ وَالْأَوْلَادِ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْحَقِّ وَالْأَمَانَةِ» (عنکبوت، 49) روایات فراوانی مصداق این دانشوران را که علم به آنان داده شده، اما همان معصوم می-داند. امام سینه در اما است روشن قرآن پس (327 ص، 4 ج، 1416ق، بحرانی) «المانمه هم» □

است شده مذمت بسیار قرآن دانستن مبهم نیز روایات در و بوده فهم قابل مجموع در قرآن که است پرواضح ثانياً □ □ در حدیث داریم که «فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ الْكُتُبَ مُبْهَمَةً فَقَدْ هَلَكَ» (شیخ حر عاملی، 1409ق، ج 27، ص 192): هر کس گمان کند کتاب خداوند مبهم است، به راستی هلاک گشته است. □ □ اما مهم آن است که معناداری جملات یا همان مفهوم بودن با فهم مقصود و مراد جدی گوینده تفاوت دارد و احادیث غالباً در بخش دوم کارآیی دارند.

روشن آیات مفهوم و معنا گاهی. جدی مراد یک و دارد ترجمه و معنا یک ای-جمله هر که شود-می نشان خاطر □ □ است، اما در کشف مراد جدی خداوند به توضیح معصوم نیازمند هستیم. همچنین ممکن است معنای آیه □ □ ای روشن باشد، ولی مضمون آیه اجمالاً مطرح شده باشد و ما برای تفصیل آن به حدیث نیازمند باشیم. خود برقی در جای دیگری در این □ □ باره گفته است:

اگر: «وَنُفِّلَ عَنَّا لَأُمَّتِنَا كُنَّا إِذْ لَمْ نَكُنْ نَدْرِكُ الْمَدْلَةَ وَالْأَيْسَافَ» □ □ که است شده داده دستور قرآن در که این □ □ نمی □ □ دانند از اهل ذکر بیرون □ □ (نحل، 43، انبیا، 7) ذکر، قرآن است و اهل ذکر که ائمه هدی: فرموده □ □ اند ما اهل ذکر هستیم یعنی ما اهل قرآن هستیم. ما اهل بیت عصمت

را اهل قرآن و عالم به قرآن می-دانیم و در مجملات قرآن اگرچه قابل فهم است، در تفصیل آن رجوع به اهل عصمت

کرده □ □ ایم و هرگز حکمی که بر خلاف حکم ایشان باشد، از قرآن استخراج نکرده □ □ ایم. (برقی، احکام القرآن، بی-تا، ص 18)

چيست؟ برای تفسیری اختلافات همه این پس، است روشن معنا تمام به قرآن آیات واقعاً اگر ثامناً □ □



و مخصوص علماء و یا ائمه نیست و مخاطب همه می‌باشد، چنان که در آیات زیادی می‌آید: «یا ایها الناس» (برقی، اصول دین از نظر قرآن و مستند به آیات آن، بی‌تا، ص 4) برقی در تلاش است تا آشکار یا پنهان، چنین القا کند که فهم قرآن نیازی به روایات ندارد. او می‌نویسد: «در همه جا "یا ایها الناس" و یا "بیان للناس" و یا "بصائر للناس" و یا "بلاغ للناس" آمد و فرموده: "هدی لعلماء" و یا "هدی للرسول و هدی للامام".» (همان، ص 5 و 6) سپس نمونه آیاتی که معنای فوق را بیان فرموده است، ذکر می‌کند.

امام فقط را قرآن داشتند اعتقاد که باشد اخباریون جماعت، برقی سخنان گونه-این مخاطب رسد-می نظر به (معصوم می‌فهمد. گروهی از اخبار و من معتقد بودند که آیت قرآنی رمزگونه و مانند معماست و جز مخاطبان اصلی آن (امامان معصوم) کسی آن را نمی‌فهمد و آیات الهی از قبل محاورات عرفی نیست تا مقصود گوینده از آن، تفهیم عموم مردم باشد. محدث استرآبادی که از مروّجان اخباری‌گری است می‌گوید:

است چنین نیز نبوی سنن از بسیاری و است شده وارد مردم ذهن نسبت به عمومی وجه بر موارد بیشتر در قرآن» (در آنچه که نمی‌دانیم از احکام نظری شرعی - چه اصلی و چه فرعی - چاره‌ای نداریم جز شنیدن از صادقین: و استنباط احکام نظری از ظواهر کتاب و سنت در آنچه که نظر اهل المذکر

را در آن نمی‌دانیم جایز نیست. پس توقف و احتیاط در آنها واجب است. (جوادی آملی، 1381ش، ج 1، ص 87 به نقل از المفوائد الممدّنه، ص 47 و 48)»

مرتضی شایخ و قمی ابوالقاسم رضا، بهبهانی و مرحوم همچون بزرگی عالمان توسط افراطی نظریه این انصاری به تفصیل پاسخ داده شده است. مرحوم محقق قمی می‌گوید:

معصومین به قرآن فهم انحصار اخبار آن (که) روا است این: را از آن فهم ده‌اند) ظاهر اصح است که مراد، علم به همه (ظاهر و باطن و تنزیل و تأویل) قرآن است و این امری مسلم و مورد قبول است... و اگر چند مدعی در اخبار صحیح و صحیح نیز آمده باشد، ابابکر آن را توجه کرد و اعلم آن را به اهلیش واگذاشت، لکن چند اخباری نیست. (جوادی آملی، 1381ش، ج 1، ص 88 به نقل از قوانین الماصول، ج 1، ص 397)

تفسیر اصلاً بلکه و امام توسط تفسیر، قرآن که است معتقد، همه برای قرآن بودن فهم قابل بواسطه برقی نمی‌خواهد. او می‌گوید اصحاب رسول خدا 6 که کلاً عوام بودند قرآن را فهمیدند، حال چطور برخی می‌گویند که قرآن را کسی نمی‌فهمد مگر آنکه امامی تفسیر کند؟ او بر این باور است که قرآن از هر تفسیری روشن‌تر و کلام خدا از کلام هر امامی واضح‌تر است. سپس تصریح می‌کند:

زبان آن به باید زبان آن مردم فهم برای زبانی هر در ولی خواهد آئمی تفسیر اصلاً قرآن که هستیم مدعی ما ترجمه صحیح گردد. و ترجمه غیر از تفسیر است... (قمر، 17) «المبته و محققاً ما قرآن را آسان نمودیم.» و حتی یهود و نصاری چنین عداوتی را با قرآن اظهار نکرده‌اند و نگفته‌اند که قرآن را کسی نمی‌فهمد. (برقی، اصول دین

از نظر قرآن و مستند به آیات آن، بی-تا، ص 10 و 11)

شوند امام تفسیر بدون قرآن نفهمیدن به قائل اغراطیون برخی اینکه است یکدیگر با مباحث خلط در برقی اشتباه □ □  
که البته اغلب علمای امامیه این را قبول ندارند، دلیل نمی-شود که ما کلاً با تفسیر روایی مخالفت کنیم! زیرا بسیاری از  
آیات قابل فهمند، اما برای معانی سطوح بالاتر و تفصیل مجملات و بیان معانی باطنی و ... به روایات نیاز است. دیگر این که  
برقی وجود تفاسیر گوناگون را دلیلی بر اشتباه بودن آنان دانسته و از آن بی-نیازی به تفسیر را استنباط می-کند؛ حال  
آنکه اگر قرآن در تمام آیات به روشنی بر محتوایش دلالت داشت، این همه تفسیر در قرون مختلف نوشته نمی-شد.

قابل، او دّادل مهمترین از یکی!! ندارد و نداشته تفسیر به احتیاج قرآن است معتقد برقی که بود این در سخن □ □ □  
فهم بودن آیات قرآن برای همه مردم است. دلایل دیگری نیز دارد مانند:

- اعراب جاهلی بدون تفسیر، آیات قرآن را می-فهمیدند.

- اگر قرآن محتاج به تفسیر بود، خداوند خود تفسیری برای آن نازل می-نمود، و یا رسول خدا 6 تفسیری بر آن  
می-نوشت، در حالی-که نوشته و حتی ائمه هدی  
: که نسبتاً وقت داشتند، تفسیری بر قرآن نوشتند، پس معلوم می-آید □ □ □ شود احتیاج به تفسیری نداشته است.

- تفسیرهایی که نوشته □ □ □ اند، همه کلام بشری است و کلام خدا روشن □ □ □ تر از کلام ایشان است. می-گوید: شما بیابید  
این تفسیرهایی که نوشته شده بگذارید کنار قرآن، و ببینید کدام مشکل □ □ □ تر است. بلی برای کسی که لغت عرب را  
نمی-آید □ □ □ دانند، ترجمه قرآن لازم است، ولی ترجمه غیر از تفسیر است.

- تفسیری که نوشته شده، در عوض اینکه مطالب قرآن را روشن □ □ □ تر کند، تاریک □ □ □ تر نموده است و برای یک آیه  
چندین احتمال داده □ □ □ و برای یک کلمه چند معنی ذکر کرده □ □ □ اند و در ذیل آن چند روایت متعارض آورده □ □ □ اند  
و فرموده □ □ □ اند کدام این احتمالات صحیح و کدام باطل است، خواننده را سرگردان می-آورد □ □ □ گذارند و می-روند.

- این تفسیری که نوشته □ □ □ اند غالباً آیات قرآن را حمل بر خرافات کرده □ □ □ اند و اخبار غلوآمیز را در ضمن آیات  
آورده □ □ □ اند. (برقی، قرآن برای همه، بی-تا، ص 65)

از عبارتند نظیر به نظیر و آجمالاً که است وارد سخنان این بر فراوانی های-جواب □

- اعراب جاهلی بدون تفسیر، فقط سطح نازلہ - ای از آیات قرآن را می - فهمیدند، و از معانی عمیق - تر محروم بودند.

- قرآن کریم به صراحت تبیین و تعلیم آیات خود را بر دوش رسول خدا 6 گذاشته است. (مانند آیه 64 و 44 نحل) رسول خدا کتاب تفسیری نداشتند (به دلایلی مانند تقیه و محصور بودن و...) اما صدها روایت تفسیری و تأویلی از خود بر جای گذاشته - اند.

- تفسیرهایی که نوشته - شده همه در راستای تدبر و عقلی است که خود قرآن دستور می - دهد. و اگر بررسی کلام خدا مذموم بود، خداوند دستور تدبر نمی - داد.

- بر خلاف گفته برقی، تفاسیری که نوشته شده، غالباً پس از بیان چندین احتمال، تفسیر صحیح و باطل را اعلام کرده - اند. نگاهی گذرا به تفاسیر گوناگون این واقعیت را روشن می - سازد. با این همه بدیهی است که هیچ انسان عاقلی انتظار ندارد بیان بشری به شیوایی کلام الهی باشد. لذا مفسران در حدّ توان خود، در رشته تفسیر کوشیده - اند، چنانکه در دانشهای دیگر.

- روایات تأویلی مربوط به بطون قرآن بوده و نباید بدون بررسی علمی و کشف معنای صحیح روایات، آنها را نفی کرد. اگرچه وجود برخی خرافات و جعلیات و اسرائیلیات در آنها غیر قابل انکار است.

المذی هو» آیه به استناد با و داشته اصرار روایات به رجوع لزوم بر، خود پیشین آثار در برقی که اینجاست جالب □ □  
بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم المکتاب و المحکمہ □ (جمعه، 2) صریحاً آورده است:

اگر و شده شمرده لازم، نماید تعلیم را خود دانش و کند آیات بیان که معلمی، آیات تلاوت بر علاوه آیه این در □ □  
آیات قرآن کافی بود جمله □ «یعلّمهم» لازم نبود. این مطلب مسلم است که قرآن مجمل است و احتیاج به مفسر دارد و کلمات اهل عصمت تفسیر صحیح قرآن است و لذا پیغمبر اسلام 6 و ائمه گرام: چقدر تأکید و تکرار کردند در مراجعه مردم به اخبار و احادیث. (برقی، گلشن قدس، بی - تا، ص 24)

نیاز عدم و قرآن کفایت اثبات درصدد، آیات بودن فهم قابل از، آوردیم پیش صفحات در که ای - جمله در وی □ □  
به روایات نبوی و احادیث امامان: است، ولی در جلد دوم کتاب عقل و دین نظری مخالف این را داشته و نوشته است:

از است قرآن خود آیات، دارد مفسر و معلم به احتیاج و نیست کافی تنهایی به قرآن که این بر نقلی دلیل اما و ... □ □  
آن جمله سوره جمعه آیه 3: هو المذی بعث فی الاممیین رسولا منهم یتلوا علیه آیاته و یزکیهم و یعلمهم المکتاب و المحکمه یعنی  
آن خدا چنان است که برانگیخت در میان بی □ سوادان، پیغمبری از ایشان که بخواند برایشان آیات را و تزکیه کند و  
تعلیم ایشان نماید قرآن و حکمت را. و اگر قرآن و خواندن آن آیات، تعلیم رسول و معلمیت او نیز لازم است. پس آنکه  
گفته □ «حسبنا کتاب الله □» اشتباه کرده و برخلاف خود قرآن سخن گفته ... (برقی، عقل و دین، بی □ تا، ج 2، ص 96 و 97)

اکرم رسول و وظیفه قرآن استناد به را قرآن تبیین، خود فکری حیات اول بخش در برقی که کردیم اشاره نیز قبلا □ □ 6  
دانسته و به آیه 44 سوره نحل استدلال می □ کند که فرموده است: □ «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْمَذْكَرَ لَتُبَيِّنَ □ □  
لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ إِلَيْهِمْ: ما نفرستادیم بر تو کتاب را مگر آنکه برای مردم آنچه برایشان نازل شده است را بیان کنی. □»  
سپس تصریح می □ کند که آن کسی که می □ گوید ما اخبار را قبول نداریم، یا بی □ دین است و یا مغرض. (برقی، عقل  
و دین، بی □ تا، ج 2، ص 96 و 97)

### 3) عدم نیاز به فهم تأویل آیات متشابه

از یکی است قائل وی. است قرآن متشابهات تأویل فهم به نیاز عدم، تفسیر در بسندگی قرآن برای برقی دیگر دلیل □ □  
ادله کسانی که می □ گویند قرآن را مردم فهم نمی □ کنند، وجود آیات متشابه در قرآن است. او با اشاره به آیه هفتم  
سوره آل عمران و عبارت □ «لا یعلم تأویله الا الله □» و با استینافیه دانستن □ «واو □» در آن بخش آیه، می □ گوید: خداوند  
فرموده تأویل آن را جز خدا کسی نمی □ داند و فرموده ترجمه و تنزیل آن را کسی نمی □ فهمد. تأویل، مربوط به  
ترجمه و فهم ظاهری قرآن نیست. قرآن تمام محکّمات و متشابهاتش قابل فهم و ترجمه می □ باشد، گو این که تأویل آن را  
ندانیم. (برقی، احکام القرآن، بی □ تا، ص 7)

همانا: (59 ص، 1 ج، 1415 ق، کاشانی فیض) أبطن سبعة إلی بطن لبطنه و بطناً و ظهراً للقرآن آن □ حدیث به وی □ □  
برای قرآن ظاهری و باطنی است و برای باطن آن نیز تا هفت باطن وجود دارد. □ اشاره می □ کند. آنگاه می □ نویسد:

اگر آند؟ مخالف یا است ظاهر موافق بطن آن آیا، سند صحت فرض بر ثابیا و ندارد صحیحی سند، اخبار چنین اولاً □ □  
بطن قرآن موافق ظاهر آن باشد پس عمل به ظاهر آن اشکالی ندارد و در حقیقت باطن آن نیز عمل شده، زیرا موافق  
یکدیگرند، پس حجیت ظاهر محفوظ است. و اگر می □ گویند باطن مخالف ظاهر آن است، پس قرآن را از حجیت ساقط  
کرده □ اند، در حالی □ که تمام علماء ظاهر آن را حجت می □ دانند. به اضافه اگر مقصود از نزول قرآن باطن آن باشد  
و ظاهر آن مقصود نباشد، لازم می □ آید حق تعالی انزاع به جهل و ظلم کرده باشد، زیرا چیزی را نازل کرده که ضد آن  
را از بندگان خواسته و باطن آن را که مخالف و تضاد به ظاهر دارد، از مردم طلبیده و بندگان را گول زده است. (برقی،  
احکام القرآن، بی □ تا، ص 7)



فهم قابل تشابهات نگفته کسی و است فهم و درک قابل قرآن تشابهات که است آورده دیگری جای در برقی □ □ نیست، خدا و پیامبرش نیز چنین سخنی نفرموده □-اند. در آیه هفتم آل عمران هم فرموده که تأویل متشابه را کسی جز خداوند نمی □ □ داند و نفرموده ترجمه و معنی آن را کسی نمی □ □ فهمد. وی مانند اهل سنت معتقد است تأویل تشابهات را کسی جز خدا نمی □ □ داند و ما مأمور به فهم تأویل آن آیات نیستیم. ترجمه و تفسیر و مفهوم و منطوق آیات را می □ □ فهمیم. او می □ □ گوید تأویل غیر از ترجمه و تفسیر است و اگر بنا باشد کسی آیات متشابه را نفهمد، نزول آن آیات لغو می □ □ شود و خدای حکیم کار لغو نمی □ □ کند. (برقی، قرآن برای همه، بی □ □ تا، ص 95)

تشابهات تأویل صورت این در □ □ است استیناف برای، مذکور آیه در "واو" حرف که است آن برقی بحث عطف نقطه □ □ را فقط خدا می □ □ داند. به تعبیر او اگر "واو" عاطفه باشد، □ □ موجب کفر □ □ و شرک می □ □ شود، زیرا معنی چنین می □ □ شود: □ □ «خدا و راسخون می □ □ گویند ما ایمان آوردیم، تماماً از نزد پروردگار ما می □ □ باشد □ □» و این غلط است، چون نباید گفت خدا □ □ مان آورده است. او اضافه می □ □ کند: اگر واو عاطفه باشد، معطوف و معطوف □ □ علیه در حکم واحد و باید هر دو ایمان بیاورند به پروردگار خود، یعنی □ □ «الله □ □» که معطوف علیه باشد و □ □ «راسخون □ □» که معطوف باشد، و این کفر و شرک است. (برقی، قرآن برای همه، بی □ □ تا، ص 98)

نقدی دوم نوع □ □ است وارد او مطلب محتوای به که اشکالی اول نوع □ □ دارد وجود سخن نوع دو بالا مطالب نقد در □ □ که به مقصود و نتیجه سخن او برمی □ □ گردد.

در طباطبایی علامه □ □ استیناف هم، گردد محسوب عاطفه تواند □ □ می هم "واو"، عرب قواعد جهت از بگوئیم باید اولاً □ □ المیزان، با اینکه خود معتقد به عاطفه بودن واو نیست، اشاره می □ □ کند که واو ممکن است عاطفه باشد، ولی از جهت معنایی موجب بروز مشکل می □ □ گردد. (طباطبایی، 1417ق، ج 3، ص 28؛ موسوی همدانی، 1374ش، ج 3، ص 42)

خداوند فقط را تأویل □ □، آیه این معنای طبق است معتقد و دانسته استیناف مزبور آیه در را واو نیز طباطبایی علامه □ □ ثانیاً □ □ می □ □ داند. (طباطبایی، 1417ق، ج 3، ص 28) سپس اثبات می □ □ کند که علم غیب، شفاعت و ... نیز در برخی آیات فقط در انحصار خداوند مطرح شده است، اما با ادله دیگر عقلی، قرآنی و روایی ثابت می □ □ شود که به دیگران از طرف ذات خداوند قابل افاضه است، تأویل نیز از این دست علوم است و به راسخون در علم □ □ - که همان رسول خدا 6 و اهل بیت: هستند - داده شده است. (طباطبایی، 1417ق، ج 3، ص 28) پس حتی در صورت استیناف دانستن واو، علم امامان به تأویل قابل نفی نیست.

ظاهری معنای پیروی از را ما آیه ادامه آنکه حال □ □ داند □ □ می کافی را متشابه آیات ظاهری معنای دانستن برقی □ □ ثانیاً □ □ آیات متشابه منع کرده است: □ □ «فَأَمَّا آلَ الَّذِينَ قُلُوبُهُمْ زَيَّغَتْ عَنْهُ □ □ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ □ □» □ □ اما آنها که در قلوبشان انحراف است، از تشابهات تبعیت می □ □ کنند. □ □ «اینک سخن در این است که اگر قرار است از آیات متشابه معنایی دریافت نشود، پس برای چه نازل شده □ □ اند؟ خداوند کار بیهوده انجام نمی □ □ دهد. اگر قرار است معنایی که برداشت می □ □ کنیم، همان معنای ظاهری باشد، مورد نکوهش قرآن قرار می □ □ گیریم. پس باید تأویل صحیح آیات متشابه را بدانیم و از آن پیروی کنیم. این معنا نیز در دست اهل بیت: است، لذا باید بیانات آنان مورد توجه قرار گیرد.

شدن روشن برای که نیستند متشابه آیات فقط این که کردیم اشاره قبلا، بگذریم که آن علم و تأویل بحث از رابعا □ □  
معنای صحیح خود به روایات نیازمندند، بلکه دیگر آیات نیز برای رفع اجمال و یا برای بسط معنا و عمق آن به احادیث  
محتاجند.

#### 4) مشکل (تر) بودن متن احادیث و روایات

به، باشد لازم نظرش اثبات برای جا هر ولی، کند - می مهربی - بی روایات با گاهی برقی که کنیم اشاره پیشاپیش □ □  
سراخ ادله روایی نیز می □ - رود. یکی از ادله برقی که در زمرة ادله روایی او محسوب می □ - شود، استناد به این حدیث  
است که خود ائمه اطهار: فرموده - لند: «إِنْ حَدَّثَنَا صَعْبٌ أَوْ مَسْتَصَبٌ (کلینی، 1429ق، ج 1، ص 402):  
همانا سخنان ما سخت و مشکل است. □» در نتیجه متن قرآن آسانتر از متن احادیث است. حال چطور، برای فهم  
قرآن، مردم را به متون مشکل □ - تر از قرآن ارجاع دهیم؟ (برقی، احکام القرآن، بی □ - تا، ص 11)

قرآن از تر □ □ مشکل احادیث یقین طور به، نباشد فهم قابل قرآن اگر که است آورده چنین نیز دیگری جای در □ □  
است و باید احادیث نیز قابل فهم نباشد. بنابراین نه قرآن قابل فهم است و نه احادیث، و باید دور دین را قلم کشید. او  
معتقد است در برابر حدیث فوق که احادیث را به صعوبت متصف کرده است، قرآن خود را روشن و واضح معرفی کرده و  
در سوره قمر، چهار مرتبه مکرر فرموده: «وَلَقَدْ دَسَّوْنَا الْقُرْآنَ: به تحقیق ما قرآن را آسان نمودیم. □» (برقی، قرآن  
برای همه، بی □ - تا، ص 55)

کلمه اگر. را ها - □ □ آن تمام نه، رساند - می را احادیث برخی صعوبت، فوق حدیث که کنیم توجه باید: نقد □ □  
"احادیثنا" مطرح بود، شاید نظر برقی تأمین می □ - شد. ولی وقتی عبارت "حدیثنا" مطرح شده است، یعنی برخی احادیث ما  
دارای صعوبت در معنا هستند. عقل و تجربه هم این معنا را تأیید می □ - کند، زیرا بسیاری از روایات را می □ - بینیم که به  
سادگی قابل فهم هستند و □ «صعب مستصعب □» درباره آنها صدق نمی □ - کند. علاوه بر این باید گفت: هم در بین آیات  
قرآن و هم در میان روایات امامان، مطالب دو دسته □ - اند، یعنی مطالب ساده و مشکل وجود دارد که برخی به سادگی  
فهمیده می □ - شود و برخی نیاز به تفسیر دارد. مطالب صعب قرآنی مانند مفهوم آیه "الْمَرْحَمُنْ عَلَی الْمَرْشِ اسْتَوَى" با  
کمک آیات دیگر و روایات فهمیده می □ - شوند، چنانکه احادیث مشکله با کمک احادیث دیگر و آیات قرآن قابل فهم  
می □ - شوند. چه بسا آیه و حدیثی هر دو پیچیده باشند، ولی وقتی کنار هم قرار بگیرند، از هر دو رفع صعوبت شود.

#### 5) وجود اخبار ضد و نقیض و دروغ در روایات تفسیری

و تفسیری روایات از هایی □ □ مثال برقی. است تفسیری روایات در دروغ و نقیض و ضد اخبار وجود، دیگر دلیل □ □  
تأویلی نقل می □ - کند که به زعم او اشتباه و جعلی است، سپس نتیجه می □ - گیرد که نباید برای تفسیر قرآن سراغ روایات  
رفت. (برقی، احکام القرآن، بی □ - تا، ص 11) برخی مثال □ - های او عبارتند از:

1) در تفسیر «سبحان المذی اسری» از قول امام ششم خبری آمده که هر کس شب جمعه آن را بخواند، امام قائم (عجل الله تعالی فرجه المشریف) را می بیند، با این که در زمان امام ششم 7 امام قائمی نبوده است. برقی معتزلی می شود که هزاران نفر این سوره را خواندند، ولی امام قائم (عجل الله تعالی فرجه المشریف) را ندیدند. (همان)

2) در تفسیر «والملیل» نوشته اند که امام فرمود «والملیل» فلان خلیفه است. برقی این احادیث را جعلی دانسته و می گوید: تعصبات مذهبی باعث ورود این احادیث ساختگی در تفسیر قرآن شده است. (همان، ص 12)

عظیم خیل کردن رها بر دلیل - نیست آن منکر کس هیچ که - ساختگی و جعلی روایات وجود که است پرواضح  
روایات تفسیری نمی - گردد. می - توان با بررسی طریقه اسناد و ضعف و قوت راویان و... به درجه صحت روایات تفسیری و تأویلی پی برد. این مشکل یعنی وجود روایات موضوعه، در مباحث کلامی و فقهی و ... نیز وجود دارد که علم رجال، درایه و فقه الحدیث متولی رفع همین مشکل هستند.

و لطائف و آیات تطبیق و تأویل علم به او هی توج - بی یا ناآگاهی دهنده - نشان برقی های - مثال نماند ناگفته  
ظرائف قرآنی است. در روایات داریم که آیات قرآنی همه در یک سطح نیستند و ظرائف و لطائفی در قرآن وجود دارد که برای همه قابل کشف نیست. دو نمونه را ذکر می - کنیم:

- کتَابُ الْمَلَّةِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءٌ: عَلَيَّ الْعِبَارَةُ وَالْإِشَارَةُ وَالْمَلَّطَائِفُ وَالْحَقَائِقُ،  
فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَالْمَلَّطَائِفُ لِلْأُولِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ (مجلسی،  
1403ق، ج 75، ص 278): کتاب خداوند بر چهار سطح است عبارات، اشارات، لطائف و حقایق. عبارات برای عوام،  
اشارات برای خواص، لطائف برای اولیاء الهی و حقائق برای انبیاء است.

- این الله جل ذکره قسّم کلامه ثلثاً اقساماً: فجعل قسماً منه یعرفه العالِمُ و العاجِلُ و قسماً لایعرفه إلا من صفا ذهنه و لطف حسه و صحت تمی زه من شرح الله صدره لیسألهم، و قسماً لایعرفه إلا الله و أمن أوه المراسخون فی العمل (عروسی حو زی، 1415ق، ج 1، ص 313): خداوند بزرگ اد، کلام خو ش را به سه قسم تقسیم کرده است قسمی از آن را عالم و جاهل می - فهمند. قسم دیگر را نمی - فهمد مگر کسی که ذهنش را پاک، دلش را لطیف و قدرت شناختش را صحیح کرده باشد که خداوند سه چیز را اشخاصی را برای درک اسلام گشاده فرموده است. و قسم دیگر، آتی هستند که جز خدا و بندگانش را نمی - دانند، یعنی راسخون در علم، به آن شناخت پدیده نمی - کند.

نظر به قبول قابل غیر و مشکوک اول نگاه در که خاصی تأویلی احادیث است ممکن، فوق روایات به توجه با  
می - رسد، توجیه علمی داشته باشد. گاهی برقی و حتی دیگران احادیث تطبیقی و تأویلی را با احادیث تفسیری اشتباه می - گیرند و لذا با آنها مخالفت می - کنند، حال آنکه حیطة معنایی آن - ها کاملاً جداست. (بنگرید: محمدی فام،  
بررسی شاخصه های تفسیر، تأویل و تطبیق، 1390ش) البته مجدداً یادآور می - شویم که ما وجود روایات مجعوله را نفی نمی - کنیم، اما معتقدیم با وجود برخی روایات موضوعه، نباید همه روایات تأویلی را طرد کرد.

و خرافه، مطلق بطور را آنها، قرآن بطنی احادیث برای علمی توجیه وجود و صحت احتمال به توجه بدون برقی □ □ جعلی دانسته است. او بدون توجه به تعریف و شرایط و ویژگی □ های تأویلات قرآنی، آن □ ها را همان تفسیر می □ داند و می □ گوید: مثلاً در تفسیر "والمّٰتین و المّٰزیتون" نوشته □ □ اند که تین امام حسن 7 و زیتون امام حسین 7 است که خدا به ایشان قسم خورده، در صورتی □ که این سوره مکی است و آن وقت که این سوره نازل شد، نه امام حسنی بوده و نه امام حسینی! □ (برقی، قرآن برای همه، بی □ تا، ص 58)

که □ فوق تأویلی روایت مانند □ آیات تأویل در □ است کرده لطف هم با را تفسیر و تأویل حوزه دو برقی: گفت باید □ □ بعد از نزول آن بیان شده است، فارغ از مباحث سندی حدیث، باطن آیه (چه از سنخ مفهوم و چه از سنخ مصداق) مطرح می □ شود که لزومی ندارد با شأن نزول آن متناسب باشد.

است معتقد کلاً لذا □ داند □ می آیات تبیین گونه هر مفهوم به و عام معنای در را تفسیر برقی شود □ می یاد آور □ □ روایات نباید به حوزه تبیین آیات ورود پیدا کنند؛ حال، چه تبیین ظاهر قرآن باشد که به زعم وی روشن است و نیازی به روایات نیست و چه باطن آیات باشد که به نظر وی فقط خداوند تأویل را می □ داند و ما موظف به دانستن آن نیستیم.

## 6) لزوم موافقت روایات با قرآن

خدا رسول که است این، قرآن فهم برای احادیث به نیاز عدم در برقی دیگر دلیل □ □ 6 و ائمه هدی: فرموده □ اند: هر خبری از ما به شما رسید، باید با قرآن بسنجید؛ اگر موافق قرآن نبود باطل است، پس اولاً باید قرآن را بفهمند تا دیگر اخبار را با آن تطبیق کنند و ثانیاً □ □ اگر قرار باشد خود قرآن با اخبار فهمیده شود، پس چطور قرآن را دلیل صحت یا بطلان اخبار قرار دهند؟ (برقی، احکام القرآن، بی □ تا، ص 13)

المنبی قال: کند □ می نقل المشیعه وسائل از سخنش تأیید در را حدیث این وی □ □ 6 «أَلْكَ أَيْ لَعَّانٍ» □ □ حَقَّ حَقَّ وَ عَ لِي كَلِّ صَوَابٍ نُّورًا، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ الْمَلَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ الْمَلَّهِ فَدَعُوهُ (حرعاملی، 1409 ق، ج 27، ص 110): به تحقیق بر هر حقی حقیقتی و بر هر صوابی نوری است، پس آنچه موافق کتاب خدا باشد بگیرید و آنچه را مخالف کتاب خدا باشد، واگذارید. □

ششم امام همچنین □ □ 7 فرموده است: □ «مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرُفٌ (همان): پس آنچه از حدیث موافق قرآن نباشد باطل است. □ □» و چند حدیث دیگر در این زمینه آورده است.

خدا رسول بیانات طبق که دارد «□ میزان» □ یک اسلامی مطالب، او عقیده به □ □ 6 و ائمه هدی: حالما □ است «□ قرآن» □

اگر این میزان قابل شناسایی و فهم نباشد، چطور میزان واقع شود؟ اگر بگوییم برای فهم این میزان باید سراغ احادیث و اخبار بروید و از طرفی هم ملاک صحت و بطلان اخبار خود قرآن باشد، دَوْر لازم می آید و دَوْر باطل است. رسول خدا

نفرموده اند قرآن را با خبر بسنجید و معنی صحیح آن را از خبر استفاده کنید، بلکه فرموده اند اخبار را با قرآن بسنجید. (برقی، احکام القرآن، بی تا، ص 15)

این اشکال را که به اشکال دَوْر معروف است دیگران نیز مطرح کرده اند و پاسخ-

براش مقدمه در او. دارد دیگری دلیل اشکال این برای برقی رسد می نظر به اما. شده داده آن بر نیز هابی کتاب «عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول» کلام محمدباقر بهبودی در تصحیح الکافی در بحث ضعف بسیاری از احادیث و شکل گیری جعلیات توسط زنادقه و غلات و ... را نقل می کند. وی در این زمینه بهترین راه چاره را «ارجاع احادیث به قرآن» می داند، زیرا اگر فقط علم درایه و رجال ملاک باشد، گاهی ممکن است یک جاعل، نام چند راوی معتبر و ثقه را در میان سلسله ناقلان حدیث جا دهد و ما را به اشتباه اندازد. پس رجوع به قرآن بهترین راه است. وی گله می کند که چرا در طول تاریخ، علمای ما کتابی نوشتند تا با آن احادیث را بر قرآن ارجاع دهند و از این طریق، حدیث صحیح و غیرصحیح را جدا کنند.

نقل آخرالمزمان در مردم همه شدن رباخوار درباره است کرده طعن را او شیعه که - ابوهریره از را حدیثی برقی می کند و می گوید: این حدیث با اینکه راویش ثقه نیست، صحیح است، اما روایتی را از «جمیل بن دراج» - که طبق کتب رجال چون «فهرست» شیخ و «خلاصه» علامه و رجال نجاشی از ثقات اصحاب ائمه: است - نقل می کند که حضرت صادق

7

مطلبی درباره حضرت سلیمان بن داود فرموده است. آنگاه می گوید این حدیث با کمال صحتش دروغ است!! زیرا با تاریخ ناسازگاری دارد. سپس نتیجه می گیرد که بهترین میزان، همان عرضه است که در قرآن است، هرچند گویندگان و آوردندگان آن فاسق و فاجر باشند. (برقی، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، بی تا، ص 48 تا 52)

سخن، است قرآن به آن ارجاع، حدیث یک متن بررسی های - راه بهترین از یکی که این: گوییم - می پاسخ در حقی است که هم از روایات مربوطه فهمیده می شود و هم علمای زیادی بر آن صحه گذاشته اند، اما این موضوع جوانب و توضیحاتی دارد که عدم دقت به آنها انسان را به نتیجه ای مانند برقی یعنی قرآن - بسندگی می رساند.

را روایات دسته این از اشتباه برداشت که دارند موضوع این بر دقتی و کامل شرح آملی جوادى الله - آیت رد می کند. وی می نویسد:

موافقت چون باشد؛ قرآن با موافق تَسَن که ن ست ا ن ، تَسَن اعتبار ارز امی برای قرآن بر تَسَن ضَرَع از هدف قرآن «شرط» حجیّت ن ست بلکه مخالفت با آن «مانع» اعتبار است. پس منظور از عَرَض که سنّت قطعی ضرورت

آن را تبیین می‌کند، احراز عدم مخالفت «سنت مَعْرُوض با قرآن کریم است، نه «اثبات موافقت» با آن؛ زبانی از فروع جزئی در قرآن آمده، و تحدید و تعیین آنها طبق دستور الهی به سنت ارجاع شده است. (جوادی آملی، 1381ش، ج 1، ص 138)

با آنها موافقت دنبال به احادیث از بسیاری بررسی در او. شود - می معلوم برقی اشکالات از یکی جا - همین  
قرآن است، نه احراز مخالفت. نمونه هایی که در بخش بعدی ذکر خواهیم کرد، نشان می دهد که این روش او غلط است. او روایات زیادی را بخاطر عدم موافقت با قرآن طرد و نفی می نماید.

احادیث اعتبار کسب و طرفی از، احادیث بر قرآن فهم داشتن توقف: یعنی، است رُود اشکال به پاسخ، دیگر مهم نکته  
از طریق عرضه آنها بر قرآن، از طرف دیگر. این اشکال از آنجا شروع می شود که ما فهم قرآن (همه آیات یا برخی آیات) را متوقف بر رجوع به احادیث بدانیم، همانطور که اخباریان قائلند. اما می توانیم معتقد باشیم که همه معارف و احکام قرآن کریم - هر چند به کمک آیت متناسب - به طور شفاف قبل از مراجعه به سنت روشن است. البته ممکن است این روشی به نحو اجمالی باشد نه تفصیلی. آنگاه ارجاع احادیث به آیات روشن قرآن، اشکال دور را به وجود نمی آورد، زیرا آیات قرآن در یک سطح قابل فهم هستند و می توان روایات را بر آنها عرضه کرد. حال برای کشف سطوح معنایی بالاتر، می توان به احادیث دیگر رجوع کرد. اگر آن احادیث مخالفتی با آیات نداشته باشند و یا خود جزو سنت قطعی محسوب شوند، اشکال دور منتفی است. اما اگر برخی از آیت قرآن را مبهم بدانیم، به گونه ای که بدون سنت اصلاً روشن نگردد، عرضه روایات بر آنها موجب دور خواهد بود.

آیت الله جوادی آملی در تسنیم، در این باره می نویسد:

مخالفت عدم به فتوا و استتسن اعتبار مانع قرآن با مخالفت ولی، دست سنت اعتبار شرط قرآن با موافقت اگرچه  
سنت با قرآن، متوقف است بر احراز معنا و پیام سراسر قرآن (به طور موجهه کل 4). و اگر بعضی از آیت (به نحو اجاب جزئی) بدون سنت اصلاً مفهوم نگردد و پیام آن معلوم نشود، پس فهم بخشی از قرآن متوقف بر اعتبار سنت است در حالی که اعتبار سنت نیز به آن است که با هیچ آیت از آیت قرآن کریم به نحو سلب کلی، مخالف و مبین و معارض نباشد. پس با د اولاً، همه آیت قرآن روشن باشد و ثابتاً، فهم هر چه آیت متوقف بر سنت نباشد و ثالثاً، اگر فهم برخی از آیت متوقف بر سنت باشد، در همان محور دور لازم می آید و سرانجام چنان دوری به تناقض مستحل خواهد بود. و در این مطلب فرقی بین اثبات حجّت سنت از راه قرآن، و حجّت آن از راه معجزه دیگر نیست. (جوادی آملی، 1381ش، ج 1، ص 139)

وجود مهم نکته سه ولی، باشد روشن، سنجش زمان عنوان به با دست سنت به مراجعه بدون قرآن همه، بنابراین  
دارد که نویسنده تسنیم به هر سه اشاره کرده است. (همان)

از بعد. کرد عرضه آن به راستتسن بتوان و کند پیدا - انحصاری نه - استقلالی تّحجی تا باشد روشن باید قرآن اولاً  
احراز عدم مخالفت سنت با قرآن، حجّت مستقل دیگری به عنوان سنت در کنار حجّت مستقل قبلی، یعنی قرآن واقع

می-شود. این دو حجّت مستقل، همراه با حجّت مستقل دیگر که «برهان عقلی» است، کنار هم قرار می-گیرند. آنگاه، از مجموع این سه منبع مستقل و منحصر و جمع  $\hat{a}$  بسندگی آنها،  $\hat{a}$  پد ام خدا و حکم قطعی الهی به دست می-آید.

- رقطعی و قطعی از اعم - تن زیبا، نیست تفسیر دایره به حدیث ورود عدم معنای به قرآن بودن روشن ثانیاً □ □ برای همه شه و نسبت به همه آ است، مرجع تعلیم و تبیین و شرح است، اما به قول صاحب تسنیم، مرجع تبعدی در خصوص سنت و رقطعی بعد از روشن بودن محتوای همه قرآن صورت می-آید □ □ پذیرد.

ا قطعی سنت بدون قرآن متّحج و زست حجت - رقطعی و قطعی از اعم - سنت بدون قرآن هرگز ثالثاً □ □ رقطعی، تفکک آشکار بن ثقلین است.

قطعی غیر و قطعی سنت میان تفکیک لزوم که افزایش-می نیز را دیگری مهم نکته آملی-جوادی الله-آیت □ □ است. ایشان معتقدند دلایل لزوم عرض سنت بر قرآن، احتمال جعل و تحریف است و این امور در سنت قطعی راه ندارد:

مخصوص - تعارض عدم حالت در خواه و بگذر با روا است تعارض حال در خواه - قرآن بر سنت ضرع روا است □ □ به سنت و رقطعی است؛ زیرا سنت قطعی به مثابه قرآن، معروض علیها است، نه معروض. (جوادی آملی، 1381 ش، ج 1، ص 140)

قرآن اثبات جهت به قرآن بر روایات عرضه لزوم به برقی استدلال شود-می - فهمیده فوق مطالب مجموع از □ □ بسندگی، استدلالی باطل است.

(7) دلایل دیگر

حال. شد اشاره تر-پیش آنها مهمترین به که آورده گوناگونی ادله، تفسیر در بسندگی قرآن برای برقی ابوالفضل □ □ به طرح و نقد دلایل دیگر او می-پردازیم.

(7-1) لزوم مفهوم بودن حجت الهی

دلیل قرآن، او عقیده به وزد-می اصرار آن معنای بودن روشن لزوم بر و کرده تأکید قرآن بودن حجت بر برقی □ □  
بر رسالت و حجّت بر صدق نبوت است و اگر مردم دلیل و حجّت را نفهمند، چگونه رسالت پیغمبر اسلام را قبول کنند؟  
(برقی، احکام القرآن، بی-تا، ص 5)

دیگر، باشد مبهم و آمعم قرآن اگر: گوید-می و داند-می، آیات بودن مفهوم شرط به نیز را خدا کتاب تحدی او □ □  
مبارزهâ □ □ طلبیدن معنی ندارد. قرآن مکرر مبارز میâ □ □ طلبد و میâ □ □ فرماید: اگر می-تواند یک سوره مانند آن  
بیاورید. پس اگر آن را نفهمند چگونه مانند آن □ □ را بیاورند؟ (برقی، قرآن برای همه، بی-تا، ص 57)

این جمله از زیادی دلایل به قرآن معتقدیم نیز ما. است صحیح برقی سخن محتوای، شد اشاره قبلا که همانطور □ □  
مطلب، باید مفهوم باشد که هست. اما مشکل در مراد برقی است. او از مطلب فوق، بی-نیازی قرآن به حدیث را نتیجه  
می-گیرد، در حالی که ضرورت ورود حدیث به حیطة تبیینی قرآن، به معنای نامفهوم بودن کلام خداوند نیست. بلکه  
برای تفصیل مجملات، تحکیم متشابهات، بیان معانی ظریف و عمیق □ □ تر و... لازم است به فرمایشات معصومین: رجوع شود.

## 7-2) قطعی المدلله دانستن قرآن

اللّه‌الدّیّ ظنّ □ □ را آن منشأ و کرده اشاره سنی و شیعه پسندانه دشمن های- □ □ اختلاف به درستی به همچنین وی □ □  
دانستن قرآن و قطعی المدلله دانستن روایات □ □ عنوان می-کند. به نظر او، این کلام باطلی است و نتایج بسیار سوئی  
دارد، از جمله عدم توجّه محصلین به آیات قرآن و قطعیâ □ □ ندانستن مفاد آن. در حالی □ □ که دلالت آیات قرآن بر  
معانیâ □ □ آن، از هر کلامی بهتر و قطعیâ □ □ تر است. به نظر او اگر یک خط نهجâ □ □ البلاغه که حدیث است، در جنب یک  
آیه از قرآن قرار گیرد، معلوم می-شود که قرآن واضحâ □ □ تر و دلالتش بر معنی قطعیâ □ □ تر است. برقی که خود  
مجمل بودن بسیاری از آیات را قبول دارد، در این بخش می-گوید: اگر بگویند دلالت قرآن بر مطالب آن قطعی است  
ولیکن مطالب آن اجمالی است که تفصیل آن در آیه ذکر نشده، □ □ □ □ □ □ می-گوئیم: باشد، اخبار نیز چنین است،  
اخبار هم مجمل دارد. همان طوری که قرآن گاهی به اجمال سخن گفته و گاهی به تفصیل، اخبار و احادیث نیز چنین  
است. (برقی، قرآن برای همه، بی-تا، ص 63)

و قرآن در هم. است نادرست و درست سخنان از ای- □ □ آمیزه، دیگرش سخنان چون نیز برقی کلام این، ما نظر به □ □  
هم در احادیث، جملاّت قطعی المدلله و ظنی المدلله وجود دارد، اگرچه درباره صدور تفاوت وجود دارد و فقط قرآن  
قطعی المصدور است. درباره اجمال نیز چنین است. اما تفاوت نظر ما با برقی، در این است که ما معتقدیم جملاّت ظنی  
المدلله قرآن با روایاتی که قطعی المدلله هستند، قابل تفسیر و تبیین است. همچنین جملاّت قرآن با روایات مفصل در آن  
زمینه، رفع اجمال می-شود. در احادیث نیز، جملاّت با تفصیل روایات دیگر رفع می-گردد.

## 7-3) عدم وجود تفسیر در صدر اسلام



امامی که شد نازل زمانی قرآن، دیگر عبارت به .است اسلام صدر در تفسیر وجود عدم، برقی ادله از دیگر یکی □ □  
وجود نداشت و حتی مشرکان، خود پیامبر اکرم 6 را نیز قبول نداشتند، ولی قرآن را می □-شنیدند و می □-فهمیدند و  
هدایت می □-شدند و به رسول الله  
می □-افزاید: حال که مردم جاهل و گمراه عرب قرآن را می □-فهمیدند، چطور عده □-ای درس خوانده المآن □ □ □ □  
امام تا کنیم صبر باید: گویند □-می □ □ □  
7

باید و قرآن را برای ما بفهماند! (برقی، احکام القرآن، بی □-تا، ص 5)

الله رسول عصر مردم: نویسد □-می روایی تفسیر نقد در وی □ □ 6 و یا امامان هدی: که در شهرهای دیگر زندگی  
می □-کرده □-اند، آیا بخاطر عدم چاپ کتاب تفسیری از امامان

:  
، به سراغ قرآن و فهم آن نمی □-رفته □-اند؟ وی تأکید دارد که بسیاری از آیات نیز دارای روایت تفسیری نیستند. (برقی،  
احکام القرآن، بی □-تا، ص 12)

روش نفی برای دارد اخباریون به که را نقدی مَثلاً .کند □-نمی رعایت را منطقی سیر مباحثش در برقی: گفت باید □ □  
تفسیر قرآن با حدیث به کار می □-برد، در حالی که مدافعان تفسیر روایی عقیده ندارند که آیات قرآن قابل فهم نباشند.  
نقدهای او بر این مطلب که فقط امام قرآن را می □-فهمد، کاملاً درست است، ولی از آن نمی □-توان نتیجه گرفت که  
تفسیر روایی مورد نیاز نیست.

...و اخلاقی و فقهی و اعتقادی مجملات تفصیل نیز و تر □-عمیق و تر □-دقیق فهم برای ولی، فهمیم □-می را قرآن ما □ □  
از روایات تفسیری امامان استفاده می □-کنیم. این درباره آیاتی که روایتی درباره □-شان مطرح نشده، سالبه به انتقای  
موضوع است.

قرآن تفسیر در امامان به رجوع ضرورت بر اش □-گذشته آثار در خود او، کردیم برقی ادله بر ما که نقدی از فارغ □ □  
از طریق عقل استدلال کرده است. او رجوع به احادیث اهل عصمت را حکمی عقلی دانسته و تصریح می □-کند که حجیت  
اخبار و ضرورت تمسک به آن امری است عقلی، زیرا پرواضح است که تمام عقائد دینی و خدائشناسی و رفتار و اوصاف  
انبیاء و ائمه: و فروع دین و اخلاق و ... تفسیر قرآن و بیان حق و باطل همه بواسطه احادیث و اخبار به ما رسیده [است]...  
(برقی، حقیقه المعارفان یا تفتیش، چاپ دوم، بی □-تا، ص 4)

اهل به پاسخ در وی .است دانسته "قرآن تبیین و تفسیر" را امام وجود دلایل از یکی، خود قبلی کتب در برقی □ □  
سنت که لزوم استقلال وجود امام را انکار می □-کنند، دلایلی می □-آورد که یکی از مهمترین آنها معلمی قرآن کریم  
است.

و کافی او قرآن و نمود کامل را اسلام □ □، اسلام پیغمبر: گویند □-می که کند □-می ذکر را سنت اهل نظر ابتدا او □ □

وافی است برای امت، پس احتیاجی به وجود امام نیست، اما چون اقامه حدود و حفظ مملکت و اجراء احکام موقوف است به وجود امام، پس وجود او، مقدمه و تبعاً لاقامه الحدود و اجراء الاحکام لازم است، نه استقلالاً و اصالة. و اعتقاد به چنین امامی، از فروع دین است نه از اصول. سپس برقی چهار دلیل محکم اقامه می کند که همگی در جواب قرآن بسندگی اهل سنت است:

دین یعنی، تفصیل بطور نه اجمال بطور کامل دین اما، است آورده کامل پیامبر دین که کند - می تأیید وی: اول [ ] کامل توسط پیامبر 6 تفصیل داده نشده است و عمر ایشان کفاف نداد تا تفصیل دین را به مردم و اصحاب بیاموزد، ضمن این که چندین سال از عمر رسول خدا 6 صرف جنگ و جدال با کفار شد و فرصت تعلیم و بیان تمام المهیات و اصول و فروع پیدا نشد. وی ادامه می دهد:

المعنی مشتبه و متشابهات آن آیات از بسیاری زیرا، نیست وافی و کافی اما، باشد کامل و جامع چه اگر هم قرآن [ ] است، یعنی معنی معین قطعی ندارد. و آن آیاتی که از محکّمات و واضح المعنی می باشد، تازه مجمل است و هر کسی نمی تواند تمام جزئیات مسائل دینی را از آن استخراج کند. مختصر آن که در سابق بیان کردیم که قرآن، اگر چه جامع تمام علوم و معارف است، ولی کافی نیست و محتاج به شخص مبین معصومی است که قول او حجت و محیط به تمام قرآن و مؤدی به تأیید الهی باشد و او به عقیده شیعه امام است، پس وجود امام لازم است. (برقی، عقل و دین، بی تا، ج 2، ص 116)

نوشته طب در کاملی کتاب فرضا اگر که معنی این به، دارد لازم معلم که است کتابی قرآن برقی عقیده به: دوم [ ] شود، باید دکتر حادثی باشد تا از آن کتاب استفاده کند. پس صرف بودن کتاب در جامعه، جامعه را کفایت نمی کند و بی نیاز [ ] [ ] [ ] [ ] [ ] [ ] [ ] [ ] [ ] [ ] نمی گردانند. (همان)

نیست کافی معلم بدون و است لازم مبین و معلم من برای: گوید - می قرآن خود: سوم [ ]

بیشتر یکی هم حق راه و است فرستاده وحدت و اتفاق به مردم دعوت برای را انبیاء خدا است معتقد وی: چهارم [ ] نیست. حال اگر قرآن برای این دعوت کافی بود، چرا اختلافات اسلامی را بر نداشته و مسلمین در مسائل اصول و فروع این قدر اختلاف دارند؟! همه نیز به قرآن استدلال می کنند. سپس تصریح می کند: «بنابراین وجود امامی که مبین و دافع اختلاف باشد، عقلاً لازم است.» (همان)

قرآن تنها نه که کند - می ثابت خویش علمی حیات اول بخش در برقی، بینیم - می سطور این در که همانطور [ ] بسنده نیست، بلکه او خود در جواب قرآن بسندگی، بهترین ادله را ارائه می دهد.

نتیجه - گیری -

بوده معتقد روایات توسط قرآن آیات تبیین لزوم به، خویش فکری حیات اول بخش در که برقی ابوالفضل و تفصیل مجملات و معلمی آیات را وظیفه معصومین: می دانسته، در قسمت دوم حیات علمی خود به قرآن بسندگی در تفسیر رو آورده است. او دلایل متنوعی را برای عقیده اش مطرح کرده که در این نوشتار نقد کردیم. عناوین این ادله عبارتند از:

نیاز عدم قرآن بودن فهم قابل بخاطر تفسیر مطلق بلکه و امام تفسیر به نیاز عدم آت در تدبر لزوم و قرآن بودن روشن به فهم تأویل آیات متشابه؛ مشکل (تر) بودن متن احادیث و روایات وجود اخبار ضد و نقیض و دروغ در روایات تفسیری لزوم موافقت روایات با قرآن و ادله دیگری چون: لزوم مفهوم بودن حجت المهی قطعاً المدلاله دانستن قرآن عدم وجود تفسیر در صدر اسلام و...

علمی مرجعیت و باشد قرآن تبیین حوزه به احادیث ورود از مانع تواند - نمی، فوق دلایل از هیچکدام که دیدیم  
اهل بیت: نسبت به قرآن قابل خدشه نیست.

□

□

منابع

- قرآن کریم

1. بامایی، علی اکبر: بررسی مکاتب و روش های تفسیری تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها؛ 1391 ش.

2. بحرانی، هاشم بن سلیمان: المبرهان فی تفسیر القرآن تحقّق قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة المبعث؛ چاپ اول؛ قم؛ بنیاد المبعث؛ 1416 ق. ش.

3. ب‌آ‌رق‌آ‌ع‌آ‌ی‌آ‌، اب‌آ‌وال‌آ‌ف‌آ‌ض‌آ‌ک‌آ‌احکام‌المقرآن: شامل کلیه احکام فقهی و عقاید اسلامی که از متن قرآن استخراج و با آیات آن منطبق شده است؛ تهران؛ عطائی؛ بی‌تا.

4. -----؛ اصول دین از نظر قرآن و مستند به آیات آن؛ عربستان سعودی؛ بی‌تا.

5. -----؛ حقیقه‌المعرفان یا تفتیش؛ چاپ دوم؛ بی‌تا؛ بی‌تا.

6. -----؛ عرض‌اخبار‌اصول‌بر‌قرآن‌و‌عقود؛ عربستان سعودی؛ بی‌تا.

7. -----؛ عقل و دین؛ بی‌تا؛ بی‌تا.

8. -----؛ قرآن برای همه؛ عربستان سعودی؛ بی‌تا.

9. -----؛ گلشن‌قدس؛ بی‌تا؛ بی‌تا.

10. جوادى آملی، عبدالملک؛ تسنیم؛ چاپ اول؛ قم؛ مرکز نشر اسراء؛ 1381ش.

11. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل‌المشعّ؛ تحقیق مؤسسه آل‌المبتّ؛ قم؛ مؤسسه آل‌المبتّ؛ 1409ق‌آ‌.

12. شرف‌المرضى، محمد بن حسن؛ نهج‌المبلاغه؛ تحقیق صبحی صالح؛ چاپ اول؛ قم؛ هجرت؛ 1414ق‌آ‌.

13. صفار، محمد بن حسن؛ بصائر‌المدرجات فی فضائل آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌س‌آ‌لم‌و‌ع‌آ‌لم‌وا‌ل‌ع‌آ‌لم‌ین؛ تحقیق محسن کویچه‌باغ؛ چاپ دوم؛ قم؛ مکتبه‌آ‌ة‌الله‌المرعشی‌المنجفی؛ 1404ق‌آ‌.

14. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالمقرآء؛ چاپ پنجم؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ 1417ق.

15. عروسی حو زی، عبد علی بن جمعہ؛ تفسیر نور المثلث؛ تحقّق سید هاشم رسولی محلاتی؛ چاپ چهارم؛ قم؛ انتشارات اسماعیلیان؛ 1415ق.

16. فض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر المصافح؛ تحقّق سید حسن بن اعلم؛ چاپ دوم؛ تهران؛ انتشارات المصدر؛ 1415ق.

17. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی، تحقیق دارالمحدیث جلد 1؛ چاپ اول؛ قم؛ دار الحدیث؛ 1429ق.

18. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت؛ دار إحياء التراث العربی؛ 1403ق.

19. محمدی فام، فریدون؛ بررسی شاخصه های تفسیر، تأویل و تطبیق؛ پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: علی محمدی آشنایی؛ تهران؛ دانشگاه جامع علوم و معارف قرآن؛ 1390ش.

20. موسوی همدانی، سید محمد باقر؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ چاپ پنجم؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ 1374ش.

21. نوری، حسن؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ تحقیق مؤسسه آل البیت؛ قم؛ مؤسسه آل البیت؛ 1408ق.

□

□

□

□